

مقدمه

عقود: عقود جمع عقد است. عقد در لغت بستن و گره زدن را گویند و در اصطلاح حقوقی، طبق ماده ی ۱۸۳ قانون مدنی، چنین تعریف شده است: "عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد."
این تعریف کامل نیست، زیرا:

1. شامل قراردادهایی که موضوع آن ها انتقال تعهد یا سقوط تعهد باشد نمی گردد.
2. این تعریف شامل قراردادهایی که برای طرفین ایجاد تعهد می کند نمی شود.
3. قراردادهایی را که یک یا هر دو طرف آن شخص حقوقی باشد دربر نمی گیرد.
4. تعریف مزبور شامل عقد تملیکی نمی گردد.

به هر حال برای احتراز از اشکالات فوق می توان گفت: عقد عبارت است از توافق اراده ی دو طرف به منظور ایجاد یک اثر حقوقی، اعم از اینکه این اثر، به وجود آمدن تغییر یا سقوط تعهد باشد، یا به وجود آمدن تغییر یا سقوط یک حق عینی مانند مالکیت و غیر آن. مانند بیع، اجاره و وکالت.
+ عقد در حقوق امروز مترادف با قرارداد است.

فرق بین عقد و ایقاع: عقد عمل حقوقی دوجانبه است و برای تحقق آن، اراده ی انشائی دو طرف لازم است ولی ایقاع، عمل حقوقی یک جانبه است و برای وقوع آن، قصد و رضای یک طرف کافی است؛ مانند طلاق، حیات مباحات، ابراء.

+ در حقوق ایران، تعهد یک طرفی - جز در موارد مذکور در قانون - ارزش حقوقی ندارد و شخص را قانوناً ملزم نمی کند.

تعهدات: جمع تعهد است و در لغت به معنی تیمار داشتن و تازه کردن پیمان است و در اصطلاح حقوقی، تعهد یک رابطه حقوقی است که به موجب آن، شخصی می تواند انجام امری یا خودداری از انجام امری را از دیگری بخواهد. این رابطه حقوقی گاهی از قرارداد ناشی می شود و گاهی قانون این رابطه را به طور مستقیم ایجاد می کند.

+ گاهی به جای تعهد، کلمه التزام و به جای تعهدات، اصطلاح التزامات به کار می رود.

+ تعهدات را می توان مهم ترین موضوع و بخش مرکزی حقوق مدنی به شمار آورد و این رشته نیز موضوع اصلی علم حقوق است.

موضوع: موضوع تعهد ممکن است انتقال مال، انجام کار یا خودداری از انجام کاری باشد.

موضوع تعهد

ارکان تعهد

طرف تعهد

رابطه حقوقی

طرف تعهد: ۱. طرفی که انتقال مال، انجام کار یا خودداری از انجام

کاری برعهده اوست (متعهد، مدیون، بدهکار) ۲. طرفی که تعهد به

نفع اوست (متعهدله، دائن، بستانکار)

رابطه حقوقی: رابطه ای که به موجب آن متعهدله می تواند انجام امر

یا خودداری انجام امری را از متعهد مطالبه کند.

معاملات: جمع معامله است، این کلمه بیشتر به معنی قراردادی که جنبه ی مالی داشته باشد به کار می رود.

الزامات: جمع الزام است (با واژه التزام فوق الذکر اشتباه نشود) ، در لغت به معنی وادار کردن و مجبور کردن است؛ در قانون مدنی این کلمه به معنی تعهدات و مسئولیت هایی که بدون قرار حاصل می شود به کار رفته است.

الزامی که قانوناً متوجه شخص می شود بر دو گونه است:

۱. **الزام ناشی از عقد:** چنانکه کسی به موجب قراردادی خود را متعهد و ملتزم کند که مالی را به دیگری انتقال دهد یا کاری انجام دهد یا از انجام کاری خودداری نماید.

۲. **الزام خارج از عقد:** چنانکه کسی مال دیگری را تلف یا معیوب کند یا به سلامت وی لطمه بزند، در این صورت ملزم به جبران خسارت است. (منظور قانون همین تعریف است تحت عنوان ضمان قهری مورد بحث قرار می گیرد)

رابطه و فرق بین تعهد و حق دینی: **لـرابطه:** حقوق مالی به عینی و دینی تقسیم می شوند؛ حق عینی رابطه ای است بین شخص و شیء، مانند حق رهن گیرنده نسبت به مال مورد رهن. حق دینی (حق ذمی یا شخصی) رابطه ای است بین دو طرف که به موجب آن یکی می تواند انجام امر یا خودداری از انجام امری را از دیگری بخواهد.

تعهد رابطه ی مستقیم با حق دینی دارد؛ هر کجا یک حق دینی برای شخصی وجود داشته باشد، برای طرف دیگر الزاماً تعهدی وجود دارد، و می توان گفت حق دینی و تعهد همان رابطه ی میان دائن و مدیون.
+ تعهد جنبه منفی رابطه حقوقی و حق دینی جنبه مثبت آن است.

لـفرق: برخی از حقوقدانان و فقها بین تعهد و دین تفاوت قائلند: بنابراین دین در ذمه قرار می گیرد و از مقوله ی حکم وضعی است؛ اما تعهد در ذمه قرار نمی گیرد و فقط تکلیفی است که انجام امر یا خودداری از انجام امری را ایجاب می کند.
+ ماده ۷۲۳ق.م نیز بین دین و تادیه (تعهد به پرداخت) در مورد ضمان تفاوت گذارده است.

فصل اول - اقسام عقد

برابر ماده ۱۸۴ق.م: " عقود و معاملات به اقسام ذیل منقسم می شود: لازم، جایز، خیاری، منجز و معلق "

عقد لازم و عقد جایز: عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین عقد، حق فسخ (برهم زدن) آن را جز در موارد خاصی که قانون معین کرده است نداشته باشد (ماده ۱۸۵ق.م) مانند عقد بیع و اجاره. عقد جایز آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد، فسخ کند. (ماده ۱۸۶ق.م) مانند وکالت و ودیعه.

- + عقد جایز برخلاف عقد لازم، به موت، جنون یا سفه هریک از طرفین، منفسخ می شود. (مواد ۶۷۸ و ۹۵۴ق.م)
- + اصل در عقود، لازم بودن آن هاست. (یعنی عقود اصولاً لازم هستند مگر اینکه خلافش اثبات شود)
- + افراد می توانند با توافق یکدیگر، عقد جایزی را به صورت غیرقابل فسخ درآورند.
- + عقد ممکن است نسبت به یک طرف لازم باشد و نسبت به طرف دیگر جایز (ماده ۱۸۷ق.م) مانند عقد کفالت و عقد رهن.

عقد خیاری: عقد خیاری آن است که برای طرفین یا یکی از آن ها یا برای شخص ثالثی اختیار فسخ باشد. (ماده ۱۸۸ق.م)

+ خیار در لغت به معنای اختیار است. عقد خیاری از اقسام عقد لازم است.

عقد منجز و عقد معلق: عقد منجز آن است که تاثیر آن بر حسب انشاء، موقوف به امر دیگری نباشد و الا معلق خواهد بود. (ماده ۱۸۹ق.م)

+ در عقد منجز، اثر عقد، موقوف به امر دیگری نیست، بلکه به محض انشاء، آثار عقد بر آن مترتب خواهد شد.

عقد معلق آن است که با توافق اراده ی طرفین، قرارداد منعقد می گردد، اما اثر آن موقوف به امر دیگری است و تا آن امر واقع نشود، اثری بر عقد مترتب نخواهد شد. (مثلاً این خانه را به تو می فروشم مشروط بر اینکه با من ازدواج کنی)

+ صحت عقد معلق در فقه اسلامی محل اختلاف است اما در حقوق ایران توسط قانون، علمای حقوق و رویه قضایی پذیرفته شده در حقوق فرانسه نیز با اصطلاح تعهد مشروط پذیرفته شده.

+ عقد معلق از زمان اجرای شرط موثر است اما طرفین می توانند شرط کنند که به گذشته نیز تاثیر داشته باشد.